Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 12, No. 3, Autumn 2022, 191-226
DOI: 10.21859/priw-120308

The Evolution of the Tunisian Ennahda Idea from the Movement to the Formation of theGovernment

Seyedmohamad Seyedahmadi[1], Mohamadreza Hatami[2], Habibolah Aboal-hasanshirazi[3]

Date received: 2022/09/19 **Date of acceptance**:2022/09/23

Abstract

The Muslim Brotherhood movement can be called the most important, cohesive and ideological political movement among the Sunnis. Being ideological does not mean in the conventional sense, but intellectual structure and explanation of a coherent thought, as well as a clear executive framework for the implementation of political Islam. Although the religious principles and ideological-political principles of this movement should be sought in the thoughts of its late founder, Hassan al-Banna, but now because of the spread of this movement in other countries and environmental and social influences over time, policy change and its intellectual foundations and executive approaches are observed. These changes have been so palpable in the Tunisian branch of the Brotherhood, led by Rashid al-Ghannouchi, that secular Islam is explicitly mentioned at the 10th Ennahda Conference, which is a long way from the founding foundations of the movement. This evolution can also be considered the product of inefficiency in the executive scene. Ennahda did not have much success during its presence in the political arena and inevitably had to deviate from its basic principles in

1. PhD student of Political Thought, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. tohiddarayan@yahoo.com

2. Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran.(responsible Author) m.hatami@pnu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. hab-Abolhassanshirazi@iauctb.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

order to achieve its goals.
The importance of this issue is studied and researched by recognizing the idea of the largest and most widespread movement in the Islamic world and the proposed model of Sunni political Islam, as well as examining the main components, contexts of change and factors influencing the created change. And library and interview tools seek to answer the question of what the transformation of approaches, ideological developments, and Ennahda from the movement to the formation of the government was like, and in what areas? The findings of the article show that by choosing the approach of epistemological minimalism, peaceful tendencies and realistic practice in the political arena, Ennahda tries to create an intermediate agreement with modernity, that is, political principles, social principles, general rules, orders and components of religion with Interpret the arguments of logic; Therefore, it will inevitably justify it in the context of implementation in cases where it is unable to explain and interpret religious rules, and this is the first step in the transformation of Ennahda ideas.

Keywords
Ennahda, Rashed Al-Ghannouchi, Islamic Sovereignty, Developments of Thoughts, Islamic Secularism

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۲۶-۱۹۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۸

بررسی رویکردها و تحولات اندیشه النهضه تونس از جنبش تا دولت

سیدمحمد سیداحمدی[۱]
محمدرضا حاتمی[۲]
حبیب الله ابوالحسن شیرازی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

چکیده

جنبش اخوان المسلمین را می توان به عنوان مهمترین ، منسجم ترین و ایدئولوژیک ترین جنبش سیاسی در اهل سنت نام برد. منظور از ایدئولوژیک بودن نه به معنای عرفی آن بلکه ساختارمندی فکری و تبیین اندیشه ای منسجم و همچنین چارچوب اجرایی مشخص جهت پیاده سازی اسلام سیاسی است. اگرچه می بایست اصول دینی -مذهبی و آرمانهای اعتقادی- سیاسی این جنبش را در اندیشه‌های موسس فقید آن یعنی حسن البنا جستجو کرد اما در حال حاضر به واسطه گسترش این جنبش در دیگر کشورها و تاثیرات محیطی و اجتماعی در گذر زمان ، تحول در خط مشی و مبانی فکری و رویکردهای اجرایی آن مشاهده می شود . این تغییرات در شاخه تونسی اخوان به رهبری راشد الغنوشی بسیار محسوس و ملموس بوده به طوری که در کنفرانس دهم النهضه صراحتا از اسلام سکولار سخن به میان می آید که از مبانی تاسیسی جنبش فاصله زیادی دارد. این تطور را می توان محصول عدم کارآمدی در صحنه اجرایی نیز دانست. النهضه در زمان حضور در عرصه‌های سیاسی توفیق چندانی نداشته و لاجرم برای میل به اهداف خود ناگزیر بر عدول از مبانی ابتدایی خود بوده که این موضوع به عنوان یکی از مفروضات اصلی پژوهش در کنکاش دگردیسی صورت گرفته در النهضه لحاظ گردیده است. اهمیت موضوع مطروحه به واسطه شناخت اندیشه بزرگترین و گسترده‌ترین جنبش جهان اسلام و مدل پیشنهادی اسلام سیاسی اهل سنت و همچنین بررسی مولفه های اصلی، بسترهای تغییر و عوامل موثر در تحول ایجاد شده، حائز بررسی و پژوهش است. بعبارتی مقاله با روش توصیفی[۴] - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای در صدد پاسخ به این سوال است که دگردیسی در رویکرد ها، تحولات اندیشه‌ای و عملکرد النهضه از جنبش تا زمان تشکیل دولت چگونه بوده و در چه حوزه هایی بیشتر نمود داشته است؟ یافته های مقاله نشان می دهد النهضه با گزینش رویکرد حداقل گرایی معرفتی ،گرایش های مسالمت آمیز و عملکرد واقع گرایانه در عرصه سیاسی تلاش داشته توافقی میانی با مدرنیته ایجاد نماید به عبارتی اصول سیاسی ، مبانی اجتماعی ،احکام عمومی ،دستورات و اجزای دین را با ادله منطق تفسیر نماید؛ لذا ناگزیر در بستر اجرا در مواردی که از تبیین و تفسیر قواعد دینی عاجز شود به توجیه آن دست خواهد زد و این موضوع گام نخست دگردیسی اندیشه‌ای النهضة محسوب می شود.

واژه‌های کلیدی: النهضه، راشد الغنوشی، حاکمیت اسلامی، تحولات اندیشه‌ای، سکولاریزم اسلامی

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران tohiddarayan@yahoo.com
۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.(نویسنده مسئول). m.hatami@pnu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hab-Abolhassanshirazi@iauctb.ac.ir
Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

4. Descriptive

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

مقدمه

جنبش‌های پایدار که به حیات خود ادامه می‌دهند از اندیشه مکتبی ـ سیاسی محکمی برخوردار هستند و توانسته‌اند در راستای اهداف تعیین‌شده قبلی خود ساختارهایی را ایجاد کنند. هم‌چنین در کادرسازی، ساختارسازی و ایجاد نهادها و ارگان‌های حافظ ارزش‌ها و اصول اسلامی، جلب حامیان مالی قدرتمند و بسیج منابع موفق بوده‌اند.

جنبش اسلامی تونس نیز از زمان تاسیس به عنوان یک جنبش ساختارمند وارد صحنه سیاسی، اجتماعی این کشورشد. این جنبش تاکنون موفق به برگزاری ده کنگره[1] شده که در قالب این کنگره‌ها، به بازنگری ساختار، سازمان، برنامه‌ها و خطی مشی آینده خود پرداخته. بعد از تحولات عربی ۲۰۱۱ و انقلاب تونس، النهضه توانست در اولین انتخابات، به عنوان حزب اکثریت، قدرت را در دست گیرد. به رغم شکست جنبش در دومین انتخابات پارلمانی ۲۰۱٤، حضور خود را درصحنه سیاسی تونس به عنوان دومین حزب دارای اکثریت کرسی‌های پارلمان محفوظ داشت. النهضه مجددا در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹ توانست اکثریت پارلمانی را بدست گیرد. این تحولات و شکل‌گیری فضای جدید، باعث شده تا النهضه، برای مشارکت در حکمرانی جدید، مدیریت افکار عمومی و کمک به توسعه جامعه، تغییرات و اصلاحاتی دراندیشه ، ساختار و سازمان خود انجام دهد. بخش مهمی از این اصلاحات در کنگره دهم این حزب در سال ۲۰۱٦ اتفاق افتاد که در پی آن برخی تعدیلات اندیشه‌ای که در عمل از چند سال قبل آغاز شده بود، نیز رسمیت داده شد.

نباید فراموش کرد بستر ساخت اندیشه‌های الغنوشی (فضای ارزشی) در بدو تاسیس شالوده‌ای از فضای دیکتاتوری بورقیبه و سکولاریزه شدن جامعه در فضای تحولات اقتصادی دهه ۷۰ میلادی تونس بوده لذا بدیهی است دگردیسی صورت گرفته، با تغییر فضای خصومت مذکور پس از روی کارآمدن النهضه مورد انتظار می‌نمود. وجه تمایز مقاله با دیگر مکتوبات در این زمینه ابتدا به جهت بررسی موضوع از لحاظ رویکردهای اندیشه و تحولات سیاسی بطور هم زمان وهمچنین بازتعریف و تطبیق شاخص‌های فکری دربستر زمان است که منجرب ریشه‌یابی صحیح تغییرات اندیشه در جنبش شده که صرفا در بررسی‌های دیگر معطوف به حضور در صحنه‌های سیاسی می‌باشد.

۱. کنگره یازدهم به دلیل اختلافات داخلی به واسطه کاندیداتوری غنوشی برای سومین بار به ریاست النهضه از طرفی به واسطه کرونا با پیشنهاد برخی از سران حزب با حدود دو سال تأخیر انجام خواهد شد.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

قبل از بررسی تغییرات‌اندیشه‌ای النهضه، نیاز به شناخت‌اندیشه‌های ابتدایی این جنبش هستیم که در گام نخست تلاش شده است به نقاط شاذ و مهم آن اشاره شود. النهضه واندیشه‌های آن جدای از اندیشه رهبر آن یعنی راشد الغنوشی نیست . راشد الغنوشی رهبر و از موسسان اصلی جنبش النهضه است که سال‌های طولانی رهبری این جنبش را بر عهده داشته و تدبیر و عقلانیت غنوشی باعث عبور النهضه از بسیاری از بحرانها گردید. لذا با اینکه در طول زمان جریان‌های فکری در درون النهضه شکل گرفت اما شناخت خط فکری واندیشه اصلی النهضه را باید دراندیشه‌های راشد الغنوشی جستجو نمود .

زمینه‌های ظهور جنبش اسلامی در تونس

جنبش اسلامی تونس ریشه در برخورد ایدئولوژی مدرن "بورقیبه" و سنتگرایی دینی نهاد «زیتونیه» در اواخر دهۀ ۵۰ دارد. نقش بورقیبه در تونس همانند نقش کمال آتاتورک در ترکیۀ لائیک بود. گفتمان سیاسی بورقیبه در ایجاد خیزش و بیداری ملی و به ظهور رساندن ایدئولوژی ناسیونالیستی که قادر به منسجم کردن مردم باشد از الگوی آتاتورک گرفته شده است؛ زیرا سیاست فرهنگی کشور تونس مبتنی بر همان نظریه‌ها و جهت‌گیری‌هایی است که در ترکیه اعمال شد. (ابراهیم، ۱۳۸۵: ۱۵)

انحصار قدرت سیاسی به حزب حاکم که اساساً متشکل از قشرهای بالای طبقۀ میانی تونس بود وگرایشهایی به فرهنگ غرب داشت، موجب شد که بورقیبه وارد نزاع با جنبش «یوسفیه»[1] شود. این جنبش (اسلامی) با پیمان‌های میان تونس و فرانسه که بورقیبه در جهت استقلال تونس آنها را به امضا رسانده بود مخالفت می‌کرد. جنبش یوسفیه در آن هنگام با نهاد دینی تونس همپیمان شده بود و مخالفان بورقیبه مدرسۀ زیتونیه را به پایگاهی برای سازمان‌دهی اولین تجمع گستردۀ خود تبدیل کردند. نهاد دینی تونس به علت مساعدت بیدریغش به جنبش یوسفیه، هزینه‌های سنگینی را پرداخته است. باید یادآور شد که ائتلاف میان جنبش یوسفیه و مدرسۀ زیتونیه یکی از عوامل رویارویی قدرت سیاسی و نهاد دینی در تونس بود و بورقیبه در این خصوص تصمیمات بسیار مهمی را اتخاذ کرد. این تصمیمات از حیث مفاهیم ایدئولوژیک

۱. . این جنبش (اسلامی) با پیمانهای میان تونس و فرانسه که بورقیبه در جهت استقلال تونس آنها را به امضا رسانده بود مخالفت میکرد. صالح بن یوسف در هفتم اکتبر ۱۹۵۵ در مسجد جامع تونس اعلام کرد که با دیدگاه رئیسجمهور بورقیبه در خصوص قانون جدید در قبال فرانسه مخالف است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

و بعد تمدنی خود، در چارچوب نزاع با نهاد دینی سنتی، به «انقلاب بورژوازی» مشهور شد. یکی از این تصمیمات، پاک‌سازی و از میان برداشتن اوقاف اسلامی بود. وی طی دو اقدام در تاریخهای ۳۱ می۱۹۵٦ و ۱۸ ژوئیهٔ ۱۹۵۷ اوقاف اسلامی را برچید و به این ترتیب، نقشی اساسی و ریشه‌ای در خنثی‌سازی زیربنای اجتماعی و فرهنگی دین اسلام در تونس ایفا کرد.

سیاست فرهنگی بورقیبه در دوران دههٔ ٦۰ دارای ویژگی‌ها و خصوصیات دیگری نیز بوده است، از جمله:

۱. در انحصار دولتی بودن فعالیت‌های مذهبی و نظارت مستقیم دولت بر این فعالیت‌ها از طریق مؤسسهٔ شعائر و آداب دینی وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری. دولت تنها مرجع قانونی و اجتماعی برای مسئولان این مؤسسه بود.

۲. تبدیل عالمان دینی و مفتیان مذهبی به کارمندان رسمی و مشاوران دولتی برای کاستن از قدرت مخالفت آنها.

۳. برکناری نهاد دینی از تمام نقش‌های دولتی، دینی و اجتماعی به این بهانه که‌اندیشهٔ سنتی به زیرمجموعه‌ای شغلی و حرفه‌ای تبدیل شده که از مسئولیت‌های عمومی تبعیت می‌کند و مفتی دینی، نمایندهٔ رئیس‌جمهور در کنگره‌ها و نشست‌ها خواهد بود.

٤. انحصار تمام فعالیت‌های دینی از جمله اجتهاد، عبادت و اجرای قوانین اسلامی به دستگاه سیاسی و تبدیل مفتی به مشاوری صرف نزد دولت. (ابراهیم، ۱۳۸۵: ١٦)

جامعهٔ تونس که پس از استقلال شاهد تحولات بسیاری بود، در اواخر دههٔ ٦۰ وارد بحران‌های شدیدی شد که منشأ اجتماعی و ایدئولوژیک داشتند و تمام شهرها و روستاها را دربرگرفته بودند. در این مرحله دو مسئلهٔ اساسی مطرح شد:

۱. چالش میان انتخاب ایدئولوژی غربی و میراث فرهنگی عربی ـ اسلامی. براساس ایدئولوژی غرب «هر آنچه از غرب وارد می‌شود موجب ترقی، پیشرفت و مدرنیسم است»؛ در حالی که از نظر غرب، پایه‌های میراث فرهنگی عربی ـ اسلامی مبتنی بر روشی واپس‌گرایانه، محافظه‌کارانه و بازگشت به گذشته است.

۲. بالا گرفتن فاصلهٔ طبقاتی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تسریع روندگرایش جوانان به جنبش ضدطبقاتی. در حالی که بخشی از جوانان گمشدهٔ خود را در مارکسیسم ـ لنینیسم جست‌وجو می‌کردند و باور داشتند این ایده که اهتمام خود را به جامعه معطوف کرده

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

است پاسخی مناسب برای دو مسئلهٔ فوق دارد، گروه‌های دیگری از جوانان بازگشت به اسلام را در مفهوم کلی و فراگیر آن، راه نجات جامعه می‌دانستند. این تحولات قانونی و اجتماعی بافت سنتی جامعه را به لرزه درآورد و به رسمیت شناخته شدن سکولاریسم در عرصهٔ آموزشی به همراه آموزش رایگان در مدارس جدید، موجب مخالفت شدید اسلامگرایان با تغییرات ریشهای و پرشتاب جامعه شد.(سید احمدی، ۱۳۹۷،۱۲۲)

در دهۀ ٦٠، تحولات اجتماعی عمیقی در تونس شکل گرفت که به مرور زمان موجب تحول ساختارهای سنتی جامعه شد. با آغاز دهۀ ۷۰ اقتصاد تونس به صورتی گسترده به جهان خارج روی آورد و بیش از پیش به بازار سرمایه‌داری جهانی وابسته شد. بازتاب این روند در روش زندگی و مصرف مردم، افزایش درخواست کالاهای سرمایه‌ای و گسترش پدیدههای خودمحوری (فردگرایی)، سود آنی، سودجویی و فرصت‌طلبی ـ که از پیامدهای جوامع بورژوازی است ـ نمایان شد. به این ترتیب، زمینه انحطاط ارزش‌های اخلاقی به ارث‌رسیده از جامعهٔ سنتی فراهم گردید.

عوامل اقتصادی و سیاسی مذکور، موجب شکلگیری پایگاه اساسی برای رشد جنبش اسلامی تونس شد که به طور مشخص در سال ۱۹۷۰ یعنی همزمان با تأسیس ماهنامهٔ اسلامگرای المعرفه شکل گرفت. در این مجله «شیخ‌راشد الغنوشی» و «عبدالفتاح مورو»، برجسته‌ترین عناصر اسلام‌گرا، فعالیت میکردند. جنبش النهضه در آوریل ۱۹۷۲ تاسیس شد ولی عملاً در سال ۱۹۷۸م به صحنه سیاسی وارد شد و اعلام موجودیت کرد. این جنبش در ابتدا با عنوان جمعیت محافظت از قرآن، جماعت اسلامی (حرکت اسلامی)، سپس جنبش رویکرد اسلامی و جبهه نجات اسلامی و پس از آن با عنوان کنونی «جنبش النهضه» فعالیت‌های خود را آغاز و تا کنون ادامه داده است. شیخ راشد الغنوشی، شیخ عبدالفتاح مورو، صالح کرکر، حبیب المکنی، مهندس علی العریض، دکتر صادق شورو، حاج محمد العکروت، مهندس حمادی الجبالی، حمیده النیفر، صلاح الدین الجورشی، الصبحی عتیق، عجمی الوریمی و ... از موسسین االنهضه بوده‌اند. (ابوزکریا، ۲۰۰۳: ٤٩)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

مدل چارچوب گفتمانی هویت‌یابی النهضه

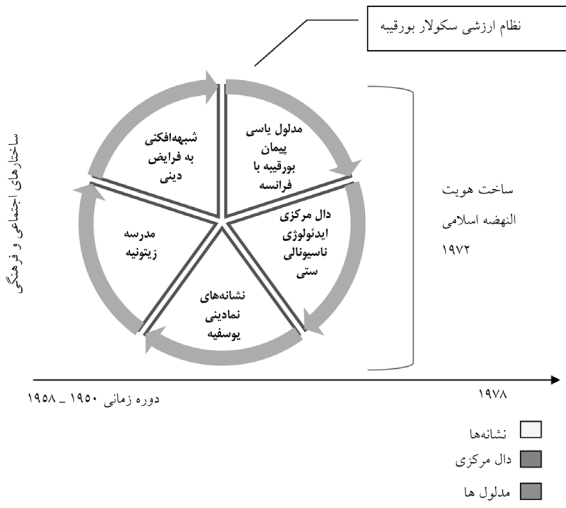

۱. مبانی اندیشه‌ای جنبش النهضه

راشد الغنوشی و عبدالفتاح مورو پس از کنگرهٔ درون‌سازمانی خود، در ٦ ژوئن ۱۹۸۱ طی کنفرانسی مطبوعاتی مهمترین مبانی جنبش «اتجاه الاسلامی»[1] را تشریح کردند که برجستهترین آنها عبارتند از :رد اصول سکولاریسم؛ ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان؛ به رسمیت نشناختن قومیت عربی؛ نگرش به مسأله فلسطین به عنوان «ثمره انحراف تمدنی و فرهنگی»؛ و تحقق آزادی فلسطین تنها از طریق آزادی اعراب از بند استعمار و استثمار و همچنین ایجاد سازمان‌هایی که بیانگر منافع توده مردم باشند.

بطور کلی اساسنامهٔ تنظیم شده پس از کنفرانس مذکور بر مبانی سیاسی و ایدئولوژیک ذیل تأکید کرد :

اول : استمرارعقب‌ماندگی وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تونس این احساس مشروع را نزد اسلامگرایان تقویت میکند که مسئولیتی الهی، ملی و بشری بر عهده

۱. جنبش الاتجاه اسلامی نام اصلی جنبش النهضه در تونس می‌باشد. بعد از کودتای بن علی در تونس و حمایتی که در آن موقعیت جنبش اتجاه اسلامی از بن علی نمود، باعث شد تا در فضای تعاملی که بین رهبران جنبش با دولت بن علی ایجاد شده بود، رهبران جنبش در آغاز فوریهٔ ۱۹۸۹ تلاش خود را برای درخواست مجوز قانونی آغاز کنند. دولت تونس برای به رسمیت شناختن جنبش اسلامی شروطی را تعیین کرده بود، از جمله تغییر نام این جنبش به منظور سازگار شدن آن با قانون بود.بن علی اعلام کرده بود که ما اجازه نمی‌دهیم احزابی تحت عنوان اسلام یا با شعارهای اسلامی شکل بگیرد جنبش الاتجاه الاسلامی نیز با قبول این شروط نام خود را به «جنبش النهضه» تغییر داد.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

دارند و ناگزیرند به منظور رهایی کشور از این وضعیت، بر تلاش پیگیر خود افزوده و در پرتو راه روشن اسلام، تونس را براساس مبانی عادلانهٔ این دین هدایت کنند .

دوم: راه‌اندازی جنبش برای وارد کردن مسائل دینی به دنیای سیاست و مدخلی برای انحصار ویژگی «اسلامی بودن» به جنبش اتجاه الاسلامی و در نتیجه، نفی آن از دیگران نخواهد بود.

سوم : از آنجا که جنبش در پی آن نیست که خود را سخنگوی رسمی اسلام در تونس معرفی کند و هیچگاه طمع انتساب به این لقب را در سر نخواهد پروراند، با احترام به حقوق تمام تونسیها در تعامل صادقانه و مسئولانه با دین، این حق را برای خود محفوظ میداند که برداشتی فراگیر و همهجانبه از اسلام داشته باشد، به نحوی که این برداشت، زمینهٔ عقیدتی و ایدئولوژیک را برای این جنبش فراهم سازد.

چهارم: اسلامگرایان باید وارد نوع جدیدی از فعالیت و سازمان‌دهی شوند تا امکان یکی کردن و فراهم آوردن نیروهای موجود و آگاهی دادن به آنها در مسائل مردمی میسر شود.. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۲: ۲۵)

به این ترتیب، جنبش الاتجاه الاسلامی بر مبنای مقدمات مذکور، وظایف خویش را اینگونه تشریح کرد:

۱. احیای هویت اسلامی تونس و تبدیل مجدد آن به پایگاهی بزرگ برای تمدن اسلامی در افریقا و پایان دادن به تبعیت از غرب و گمراهی.

۲. احیای‌اندیشهٔ اسلامی در پرتو اصول ثابت اسلامی و مقتضیات حیات نوین و پاک‌سازی آن از رسوب دوره‌های انحطاط و آثار غربزدگی.

۳. بازستاندن حقوق مشروع مردم در تعیین سرنوشت بدون هیچگونه تأثیرپذیری از شرایط و فضای داخل یا نفوذ بیگانه.

٤. بازسازی حیات اقتصادی تونس براساس مبانی انساندوستانه و توزیع عادلانهٔ ثروت در پرتو اصل اسلامی «انسان و مصیبت» یا «انسان و نیاز» (بدان معنا که هر فرد حق دارد در حدود مصلحت گروه، از ثمرهٔ تلاش خود بهرهمند شود و در هر حال به رفع نیاز خود بپردازد) تا اینکه مردم به دور از انواع استثمار و بهرهکشی و له شدن زیر چرخهای اقتصاد جهانی، از حق مشروع خود برای زندگی شرافتمندانه، که از آنها سلب شده است، برخوردار شوند.

۵. مشارکت در احیای موجودیت‌های سیاسی و تمدنی اسلام در سطح داخلی، جهان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

عرب و تمام دنیا تا اینکه امت اسلام و تمام بشریت از آسیب‌های روانی، ستم‌های اجتماعی و سیطرهٔ جهانی و سقوط در گرداب این مصیبت‌ها نجات یابند. (ابراهیم، ۱۳۸۵: ٥٦)

راشد الغنوشی و اندیشه جنبش النهضه

به روشنی می‌توان گفت بزرگ‌ترین و مؤثرترین متفکر و رهبر اسلام سیاسی تونسی، راشد الغنوشی است. اندیشه او را می‌توان نماد و شاخص جریان اسلام‌گرا (اسلام سیاسی) در تونس به شمار آورد. به عبارت دیگر محوریت جنبش النهضهٔ تونس پیرامون شخصیت راشد الغنوشی و نقطه نظرات وی می‌چرخد. و در این مجال جهت کشف دقیق از اندیشه‌های موجود در جنبش می‌بایست به پدیدارهای ذهنی و اندیشه‌های موسس آن توجه نمود. در بررسی تفکر الغنوشی به مولفه‌هایی برمی‌خوریم که به علت استفاده بسیار در نظریه‌های او، کاملاً برجسته شده‌اند. اهمیت این شاخص‌ها در سطح معانی، الفاظ و شیوه کاربرد آنها نیست، بلکه مهم‌ترازآن، پیامدهای عملی (نشانه‌ها و مدلول‌ها) آن است که می‌تواند طرح تفکر نوگرای وی را تحت تأثیر قرار دهد.

ـ حکومت و نظام سیاسی

یکی از مهمترین شاخصه‌های فکری غنوشی اعتقاد وی به جامعیت شریعت اسلامی برای اداره زندگی سیاسی، اجتماعی انسان مسلمان در چارچوب هدفمند و تلاش و دغدغه‌مندی وی برای تدوین چنین نظامی است.

از میان تالیفات بسیار غنوشی کتاب «الحریات العامه فی الحکومهٔ الاسلامیهٔ»- آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی- از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. وی در این اثر از سویی دموکراسی غربی را نقد می‌کند و از سوی دیگر به جنبه‌های مختلف این حقیقت می‌پردازد که حکومت اسلامی، حکومتی است که «از همه نظر مدنی» باشد و در متون دینی نیز چیزی وجود ندارد که مانع بهره‌جستن از سازوکارهای دموکراتیک شده و مدنی بودن جامعه و حکومت را نفی کند یا تئوکراسی را بستاید. وی در تبیین بحث آزادی‌های عمومی با اشاره به پیوند جدائی ناپذیر آن از بحث نظام سیاسی اسلام، پذیرش این پیش فرض را مبتنی بر این می‌داند که اسلام، نظامی فراگیر دارد که میان اجزا و عناصر مختلف آن اعم از فقه، عقاید،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

اخلاقیات و اهداف و مقاصد پیوندی گسست ناپذیر وجود دارد. بر این اساس، اگر بپذیریم که اسلام در مسئله سازماندهی حکومت به پایه گذاری شماری از اصول و قواعد کلی بسنده کرده و عرصه گسترده‌ای را به خِرد مسلمانان واگذاشته است، این امر خود به خود به تنوع و گوناگونی در طرح‌های حکومت اسلامی خواهد انجامید.

غنوشی در فراهم نمودن چارچوب قانونی آزادی‌های انسان و یا تکالیف وی با تمرکز بر مفاهیم فقهی، تحت تأثیر افکار علامه شاطبی از فقهای اهل سنت به ویژه کتاب «الموافقات» وی بوده است و در موارد بسیاری نیز بر این نکته تاکید دارد. وی در قسمتی از کتاب می‌نویسد: «اندیشمندان اسلامی معاصر تقریبا بر این نکته اجماع دارند که در این زمینه می‌بایست همان چارچوب اصولی علامه شاطبی در کتاب «الموافقات» را پذیرفت. چکیده نظر« شاطبی» بر این استوار است که هدف شریعت برآوردن منافع بزرگ بشر است. او این مصالح را به سه دسته ضرورتها، نیازها و محسنات تقسیم می‌کند.» (آفران، ۱۳۹۰)

وی در بحث مبانی حکومت اسلامی معتقد است که مفهوم حکومت در مبانی اسلام واندیشه سیاسی آن مفهومی اصیل و ریشه‌دار است. بر این اساس، «متن دینی» به مثابه قانون و «شورا» به مثابه نظارت مردمی دو نهاد اصلی در تشکیل حکومت اسلامی به شمار می‌روند. غنوشی در تالیفات خود همواره سعی کرده است که اصالت مفاهیم سنتی اجماع، جماعت، بیعت، اولوالامر، اهل حل و عقد، امر به معروف و نهی منکر را اثبات کند و از رابطه آن‌ها با شورا و از راهکارهای اِعمال آن در جامعه سخن به میان آورده است. در این میان نسبت به سازوکارهای قانونگذاری، هر شیوه ممکنی پذیرفته است و اسلام از پذیرش شیوه های نوینی که بتواند اراده ملت را در چارچوب مشروعیت کلی و عام متون دینی تجلی بخشد و استبداد را دور کند ابایی ندارد. حکومت اسلامی هم یک ضرورت اجتماعی و هم یک حقیقت دینی است؛ وجود آن به ضرورت نصّ، و چگونگی اداره آن به شورا است و از همین روی این حکومت نصّ و شورا است. (الغنوشی، ۱۹۹۳: ۱۰۸)

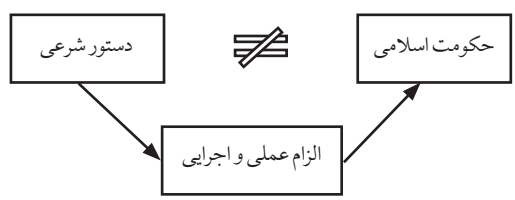

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

- مردم سالاری

راشد الغنوشی از جمله متفکرانی است که قائل به امتزاج بین اسلام و دموکراسی است. البته بسیار طبیعی است حزب و جریانی که در معرض سرکوب قرار می‌گیرد بیش از هر چیز بر ضرورت حاکمیت مردم سالاری و آزادی تاکید ورزد. در مقابل نظام سیاسی مستبد حاکم بر تونس و رئیس آن، حبیب بورقیبه، که شعار توسعه را در شکل ضد دینی اش دنبال می‌کردند و آن را دستاویز و بهانه سرکوب آزادی‌ها قرار داده بودند، جریان اسلام‌گرا به این نتیجه رسید که برای حاکمیت بخشیدن به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در این کشور راهی جز تثبیت مردم سالاری و به رسمیت شناخته شدن آزادی‌های عمومی وجود ندارد. تاکید و تمرکز بر این شعار، سبب می‌شد تا آنان از رقبای لیبرال خود عقب نمانند و در عین حال از مزایای متمایز و متفاوت بودن‌اندیشه اسلامی خود برخوردار باشند. بر این اساس، اقدام راشد غنوشی در تالیف کتاب «آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی» قابل درک است. وی در مقدمه این کتاب می‌گوید: «موضوع آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی، از آغاز پیدایش جنبش اسلامی در تونس بزرگ‌ترین دل مشغولی من بوده است. این جنبش اسلامی از مرحله دعوت به مبادی اسلام در رویارویی با فرهنگ مسلط وارداتی (بیگانه) تا مرحله تعادل وسیع با دغدغه‌های جامعه تونسی که مهم‌ترین آن‌ها هنوز، مساله آزادی است، تحول یافته است. زیرا عرضه پاسخ‌های روشن به چالش‌های فراروی‌اندیشه اسلامی در کشوری مانند تونس که مشارکتی فعال در غرب‌گرایی و فرهنگ داشته، ضرورتی معرفتی بود که برای جنبش اسلامی گریزی از آن نداشت.» (مرادی، ۱۳۹۷)

مساله بعدی پس از اثبات وجود دولت در اسلام، مبانی و اصولی است که این دولت بر آن مبتنی است.در این جا است که جریان انسان‌گرای اسلامی تونس با بن بست مواجه می‌شود، زیرا میان انسان‌گرایی و استخلاف تناقضی بروز می‌کند. غنوشی بر آن است که در نظریه انسان‌گرایی، انسان در واکنش به تمدن قرون وسطی که انسان را لگدمال کرده بوده، از خدا بریده و یا بر او شوریده است در حالی که ایده مرکزی در تمدن اسلامی این است که انسان از سوی خدا به خلافت برگزیده شده است. وی می‌افزاید «انسان موجودی است که با عقل و آزادی و مسئولیت و رسالت، کرامت یافته است و به مقتضای این تکریم، حقوقی را دارد که هیچ کس بر آن سلطه‌ای ندارد و نیز تکالیفی را بر دوش می‌کشد که نمی تواند از آن بگسلد

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

و این تکالیف مجموعا عهد و پیمان و یا قراردادی است بر سر این که خدا را بپرستد و بر مبنای شریعت او، کسی را شریک او قرار ندهد. این به معنای تعالی شریعت بر هر سلطه و قدرت دیگری است.» (الغنوشی، ۱۳۹۲:٥٦) وی در عین حال می‌کوشد تا فرد از آزادی اراده و عمل محروم نشود.

کتاب غنوشی (الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه) چنان که آمد، تلاشی فکری برای بومی‌سازی و یا تثبیت مردم سالاری و آزادی و حقوق بشر دراندیشه جنبش‌های اسلامی و جوامع و دولت‌های اسلامی است. (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۵: ۲۷) وی بر آن است مردم سالاری بیش از آن که گویای انتقال قدرت به مردم و تعیین مقامات قوه مجریه و مقننه از طریق انتخابات عمومی و آزاد و به رسمیت شناخته شدن حقوق بشر باشد، گویای نوعی جهان‌بینی و ارزیابی معینی از انسان، جهان و هستی است که کرامت و آزادی انسان را تثبیت می‌کند و او را از سقوط در پرتگاه بردگی و استبداد دور می‌دارد. وی حسنات نظام مردم سالاری را به نقاط ایجابی انگاره انسانی‌ای برمی گرداند که فلسفه عصر نوزایی و اصلاح دینی عرضه کرده است، هر چند این انگاره از دید وی عناصر سلبی‌ای هم دارد، مانند تفکیک میان روح، ماده، عقل و روح و بلکه مهم‌تر از آن نشاندن عقل در مقام خدایی. به این ترتیب اگر چه غنوشی به غربی بودن مولد و موطن مردم سالاری اذعان دارد و به عناصر ایجابی موجود در آن اعتراف می‌کند، ولی وجود عناصر منفی‌ای در آن را مدخلی برای رهیافت جایگزینی‌اندیشه اسلامی به جای فلسفه‌های غربی قرار می‌دهد.

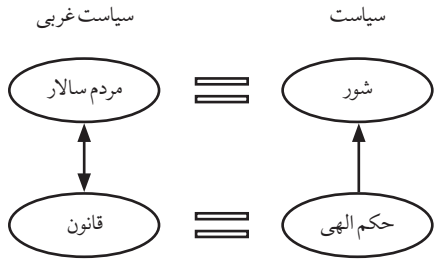

اگرچه غنوشی بنا به طبع آکادمیک اش اهتمامی جدی به تعریف مفاهیم و اصطلاحات دارد ولی از عرضه هرگونه تعریفی اجرائی از مردم سالاری که به مقایسه آن با شورا کمک کند عاجز می‌ماند و بلکه به مبهم نهادن آن تعهد دارد. او نیز مانند شماری از اسلام‌گرایان

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

معتقد است که اصطلاح مردم سالاری چنان گسترده است که شامل نظام‌های سیاسی متنوعی می‌شود و هم چنین، ثمره نزاع اروپاییان است او در کتاب الحریات العامه می افزاید : «و از آن رو که مردم سالاری، مفهومی مجمل است و شامل متضادترین نظام‌ها می‌شود، حکم بر نظام معینی به عنوان انتساب به آن دشوار است. این امر، تامل طولانی در فهم ماهیت هر نظامی را می‌طلبد. زیرا اشکال دموکراتیک و اعلامیه‌ها مانند اعلامیه حاکمیت ملت‌ها و حقوق بشر و نمایندگی پارلمانی و احزاب و انتخابات و اکثریت چندان اعتباری ندارد. این اشکال و قالب‌های دموکراتیک در خشن‌ترین نظام‌های دیکتاتوری هم وجود داشته و دارد.» (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۵: ۲۷)

ـ آزادی عقیده واندیشه

غنوشی در بحث آزادی فکری، فراوان از آیه لا اکراه فی الدین (بقره/۱۵٦) بهره می‌گیرد. وی معتقد است این آیه، گویای «حق فرد در انتخاب عقیده اش، به دور از هر گونه اجبار و اکراهی است. شریعت اسلام برای این انسان، آزادی را به عنوان محصول مسئولیتش تضمین کرده و بر این اساس همه ابزارهای اجبار را ممنوع ساخته و در تاکید بر ضرورت اظهار حق و اقامه براهین بر عقیده و تحمیل مسئولیت شکل دادن به عقیده و دفاع از آن ـ هر چند با کار بست قدرت و اجتهاد در ابطال برنامه‌های خصم خود ـ چیزی کم نگذاشته است.» (الغنوشی، ۲۰۰۳: ۲۲)

وی در فهم آزادی عقیده، چندان توسعه می‌دهد که به غیر مسلمانان در دولت اسلامی اجازه می‌دهد «از دین اسلام انتقاد کنند» و «آزادی کامل خواهند داشت تا عقیده خود را بستانید» و غیر مسلمانان در دولت اسلامی بر عقیده و رفتاری که مخالف وجدانشان باشد، مجبور نخواهند بود» (الغنوشی، ۲۰۰۳: ٤٨)

در دهه هفتاد، غنوشی همانند دیگر اسلام‌گرایان معتقد بود که ارتداد، کفر و مرتد مستحق مجازات اعدام است. این موضوع از همان زمان مورد مناقشه شماری از روشنفکران مسلمان تونسی بوده است که در اعتراض به چنین باوری ـ که تارک دین اسلام مستحق اعدام است ـ از پیوستن به جنبش «الاتجاه الاسلامی» که بعدا به ریاست غنوشی تاسیس شد، منصرف و از جریان غنوشی منشعب شدند.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

در اواخر دهه هشتاد، تحولی جزئی در این عقیده غنوشی رخ می‌دهد و وی معتقد می‌شود به وانهادن «مساله تعیین مجازات به امام (حاکم اسلامی) که خود او با لحاظ حجم خطری که این پدیده بر موجودیت سیاسی دارد، آن را معین کند. وی در کتاب اسلام و حکومت اشاره میکند ارتداد جرمی است که رابطه‌ای با آزادی عقیده که مورد پذیرش اسلام است، ندارد. ارتداد مساله‌ای سیاسی برای مسلمانان بوده است. بنابراین مجازات مرتد، تعزیر است و نه حد؛ زیرا ارتداد جرمی سیاسی است که مشابهش در نظام‌های دیگر، خروج بر نظام دولت و تلاش برای ایجاد هرج و مرج در آن است و متناسب با حجم و شدت خطر آن با آن برخورد می‌شود. (علی‌خانی، ۱۳۸۲: ٤٨)

ـ نفی خشونت

الغنوشی معتقد است که خشونت اختیاری، منفی و غیرقابل قبول است و معمولاً کشور یا کشورهای بزرگ، برای سرکوب ملت‌های ضعیف و رسیدن به منافع خاص خود، به آن متوسل می‌شوند. اما خشونت اجباری، امری مثبت است که باید به شرط سنتی و متعارف آن در ادیان آسمانی و زمینی پای بند بوده و این شرط، دفاع از خود است. «هر کس که مورد حمله و تجاوز قرار گیرد، چه عاقل و چه کم خرد، باید از خود دفاع کند. بنابراین، دموکراسی با دفاع از خود در برابر حکومت مستبد و خشونت‌پیشه، منافاتی ندارد. به این ترتیب، وقتی می‌گوییم جنبش به خشونت دست نمی‌برد، به این معنی نیست که هر کس در گوشه و کنار جهان از خود دفاع می‌کند، مجرم است، بلکه جنبش با ایجاد تغییر خشونتبار مخالف است... البته ما عمل خشونتبار را ناقض دموکراسی نمی‌دانیم، زیرا هیچ دموکراسی در جهان نیست که به فکر توسعه سلاح نیفتاده باشد.» (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۹۹٦: ١٤٨) الغنوشی در بیان موضع شخصی و مشروط خود در قبال خشونت می‌گوید: «روشن است که در اسلام هر کس در راه آبرو و مالش کشته شود، شهید به شمار می‌آید؛ من نیز اشخاص را حتی اگر عضو جنبش باشند، در دفاع از آبرو و مالشان برحذر نمی‌دارم، زیرا این، یک دفاع مشروع است». (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۹۹٦: ١٤٨)

الغنوشی می‌گوید: «اگر جامعه با اکثریت قریب به اتفاق، تروریستها را قانونی نداند، آنها باید به این خواست احترام بگذارند و در راستای قانون متعارف عمل کنند و اخلالگری در این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

قانون، به تنفر مردم از آنها می‌انجامد. به این ترتیب، باید از آزادی، عدالت و دموکراسی در برابر تجاوز اقلیتهای افراطی محافظت کرد». (مجله الشرق الاوسط، ۱۹۹٤: ۱۱) اما اگر این مسئله متعلق به کل جامعه باشد و جامعه نیز خواستار تغییر و ناراضی از اوضاع موجود باشد، دیگر تروریسم، شورش علیه جامعه به شمار نمی‌آید، بلکه شورش و سرکشی علیه اقلیت، یعنی رهبران دیکتاتوری است که با تغییر مسالمت‌آمیز و تحول مخالف‌اند. الغنوشی با خشونت اقلیتها به علت نبودن آزادی و مساوات بین همه، مخالفت می‌کند، اما فعالیتهای اکثریت تحت ستم، مانند مردم الجزایر را خشونت نمی‌دانست، بلکه آن را انقلابی مردمی می‌نامید که مشروعیت خود را از خواست عمومی ملت می‌گرفت. او می‌گوید: چنین انقلابی، انقلاب اسلامی مردمی است که زمینه‌های شعله‌ور شدن و دوام و گسترش برایش فراهم شده است.

الغنوشی که سعی می‌کرد برای شیوه انقلابی خود، توجیه شرعی و قانونی بیابد، گفت: «پیامبر(ص) دوست داشت دانشمندان، رهبران و روشنفکرانی باشند که در مقابل حکومت خودسر بایستند و نهی از منکر کنند حتی اگر این کار منجر به کشتن آنها شود.این امر، ممکن است به انقلابی مردمی تبدیل شود؛ مانند انقلابی که (امام) خمینی رهبری کرد». (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۹۹٦: ۱٤۹)

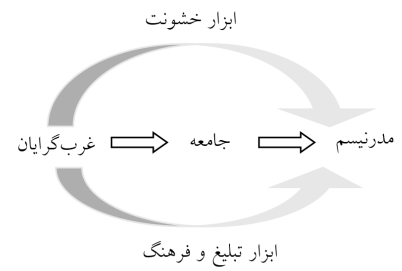

ـ جهاد

در خصوص موضوع جهاد می‌توان جای خالی آن را در سخنان الغنوشی ملاحظه کرد و همین باعث شده است که برخی جنبش های اسلامی ضمن انتقاد از وی او را به کفر متهم کنند. الغنوشی معتقد است جنگ به فاجعهای جهانی می‌انجامد که نه تنها سربازان اسلام، بلکه سربازان کفر را هم دربرمی‌گیرد؛ زیرا سلاحهایی که کشورهای کفر وجود دارد برای نابودی تمام جهان کافی است.وی همچنین عبارتها و اصطلاحاتی چون اهل کفر، اهل اسلام، از دین

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

برگشتگان اهل ذمه و المؤلفة قلوبهم را ـ به رغم کارکرد بسیار ممتازشان در گذشته ـ کنار گذاشت، زیرا معتقد بود مانع معرفی اسلام در دنیای آزادی‌های فردی و عمومی می‌شوند.

بنظر میرسد او نمی‌خواست با احیای این تکلیف غایب، یعنی جهاد، اهداف خود را تحقق بخشد، بلکه سعی داشت به شیوهای که با روح زمان و تمدن سازگار باشد، برای تحقق اهداف خود تلاش کند. از این رو، کوشید بین اصالت و نوگرایی پیوند برقرار کند. از سوی دیگر ساختار تشکیلاتی حرکت به گونهای نیست که برای صدور فتوای شرعی مناسب باشدبه عبارتی می توان گفت این تقیه به عنوان مصادق عینی در پیش برد اندیشه های النهضه بوده است . در صورتی که ساختار تشکیلاتی جمعیت اخوانالمسلمین و گروههای مسلح نظیر جهاد اسلامی، که تحت نظارت محمد عبدالسلام فرج، نویسنده کتاب الفریضة الغائبة و شیخعمر عبدالرحمن اداره می‌شد، بر این اساس، یعنی صدور فتوای شرعی تنظیم شده بود. (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۹۹۶، ۱۷۳)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

ـ طرد فرقه و مذهب‌گرایی

راشد الغنوشی به افزایش توجه به مسئلهٔ «امت اسلام» و نادیده گرفتن ویژگیهای قومی و منطقهای اشاره میکند وی در خصوص مسئله فلسطین می نویسد : «به جای آنکه ـ برای مثال ـ فلسطین در میان مسائل خارج از مرزهای کشور، مهمترین جایگاه را در زندگی ما داشته باشد، مسائل دیگری جایگزین آن شده است». وی اضافه میکند: «مذهبگرایی و فرقهگرایی براندیشهٔ اسلامی سیطره یافته و علت آن هواداری از یک گروه یا یک حزب است. به اعتقاد من، مسلمانان امتداد یک‌اندیشه‌اند نه متعلق به مرحلهٔ خاصی از زمان. ما گروهی نیستیم که تنها با میراثهای برجایمانده از پیشینیان هدایت میشوند و هم‌چون حیوانی نادان در انزوای خود زندگی میکنند». (ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

در مجموع جنبش اسلامی تونس به رهبری شیخ‌راشد الغنوشی میکوشید با استفاده از تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه تونس و در سطح کشورهای عربی و جهان اسلام،اندیشهٔ سیاسی اسلام را متحول کند. در این خصوص راشد الغنوشی با ارزیابی روند حرکت جنبش اسلامی و مفاهیم فکری آن و انتقاد از جنبش خود، سعی میکرد نگرش سیاسی نوینی ارائه دهد

در پایان این نکته باید اشاره شود چارچوب گفتمانی النهضه در بدو تشکیل و شالوده

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

اندیشه الغنوشی در فضای دیکتاتوری بورقیبه و سکولاریزه شدن جامعه در فضای ارزشی در تحول اقتصادی دهه ۷۰ میلادی به وقوع پیوست. نکته‌ای که لاکلا و موفه بدان اشاره می‌کنند این است که گاه گفتمان ها در فضای خصومت قرار می‌گیرند و در این فضا خود را بازتعریف و هویت‌سازی می‌نمایند در این مقوله شاید بهترین تمثیل اندیشه و بازخورد مدلول‌های گفتمان و اندیشه سیاسی النهضه باشد. با تردید باید گفت که مؤلفه‌های مورد تأکید (نشانه‌های کلامی و ارزشی منعکس در رفتار اسلام‌گرایان) در هر دوره از تاریخ تحولات تونس حول یک مفهوم مرکزیت می‌یافتند در دوره‌ای به واسطه فشار سیاسی دال مرکزی گفتمان به قسمت آزادی، دموکراسی و مردم‌سالاری سوق یافت و در دوره‌ای (۱۹۷۰) به واسطه انشقاق برخی از اسلام‌گرایان با احکام اجرایی اسلامی مانند حکم اعدام و ارتداد به سمت آزادی عقیده و پرهیز از خشونت حرکت کرد اما به طور کلی وقت اصلی (دال اصلی و ثبات‌یافته) اندیشه النهضه و شخص الغنوشی را می‌توان اسلام تونسی دانست.

تحولات اندیشه‌ای النهضه

براساس دو ملاک «میزان انتظار از دین و نوع عملکرد» جنبش‌ها را به سه گروه حداکثرگرا (حداکثرگرا در اعتقاد و در رفتار)، حداقل‌گرای سیاسی (حداکثرگرا در اعتقاد و عمل‌گرا در رفتار) و حداقل‌گرای معرفتی تقسیم می‌کنند. با توجه به مطالبی که مطرح شد جنبش النهضه را باید جزء گروه سوم یعنی حداقل‌گرای معرفتی دانست، جریانی که انتظار حداقل از دین بر آن حاکم است. هواداران این جریان با اصل خاتمیت یا کامل بودن دین اسلام مشکلی ندارند، ولی کامل بودن آن را مترادف با پاسخگویی آن به تمامی سوالات بشری، دخالت در تمامی ابعاد حیات انسان و حاکمیت سیاسی همه جانبه نمی دانند.گرایش مسالمت جویانه و عملکرد واقع‌گرایانه بسیاری از اسلام‌گرایان، به رغم اهمیت، به معنای دست برداشتن آنان از تلقی حداکثری از دین و نفی مقام داوری برای آن نیست.گرایش این جریان به سازگار کردن ابعادی از دین با جنبه‌هایی از مدرنیته و باور آنان به نقش کلیدی خرد است. به نظر آنها شریعت، خیلی ساده، مجموعه ای از اصول راهنماست که باید در معرض اجتهاد گذاشته شود یعنی در معرض تفسیر آزاد قرار بگیرد تا با دنیایی که در حال دگرگونی است منطبق گردد. (نبوی، ۱۳۹٤: ۵۷)

بر همین اساس با اینکه جنبش النهضه شاهد تحولات فکری نسبت به سال‌های اولیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

تاسیس و تفکرات اولیه خود شده است اما این تحولات و دگردیسی اندیشه‌ای به هیچ وجه قابل مقایسه با اخوان‌المسلمین مصر نیست و این دگردیسی به‌اندازه‌ای نبوده است که یک تغییر اساسی و ریشه‌ای بین تفکرات رهبران این جنبش بویژه راشد الغنوشی و سیاست‌های اعمالی و اجرایی جنبش در مقام دولت و صاحب قدرت در تونس دید. همانطور که پیشتر جریانشناسی سیاسی و فکری النهضه در سال‌های قبل از انقلاب ۲۰۱۱ آورده شد، در این جنبش تفکرات مختلفی ظهور و بروز داشتند. النهضه پیش از آنکه جنبش باشد یک جبهه است و دلیل آن هم وجود بیش از یک رویکرد و جریان در آن است و دارای افق فکری یکنواختی نیست.

از سوی دیگر فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بر تونس این اجازه را به رهبران جنبش النهضه نمی داد تا با ایجاد خط قرمز مبتنی بر اصول اسلامی و شریعت، سیاست‌های خود را در تونس دنبال کنند. لذا به رغم وجود طیف‌ها و جریان‌های عقل‌گرا و یا محافظه کار، جنبش النهضه تلاش کرد تا میانه روی را سرلوحه کار خود قرار دهد و در این مسیر واقعیتهای جامعه تونس و جهان امروز را نیز در نظر بگیرد. لذا با اینکه بعد از به قدرت رسیدن النهضه در تونس بعد از تحولات ۲۰۱۱، شاهد رفتارها و سیاست‌هایی از سوی النهضه بودیم که چندان قرابتی با مبانی اسلامی و انقلابی نداشت اما به طور کلی نمی توان این رفتارها و سیاست‌های را دور از مبانی‌اندیشه‌ای رهبران النهضه دانست. در واقع با اینکه بعد از به قدرت رسیدن النهضه این جنبش در مقایسه با موقعیت اپوزیسیونی، عملگراتر شده است (این مساله از تبعات جنبش‌های حاکم شده می‌باشد) اما در مجموع رفتارشناسی النهضه در قدرت فارغ ازاندیشه‌های رهبران آن نیست. در واقع رهبران النهضه از همان سال‌های اولیه تاسیس این جنبش، چندان دارای تفکرات انقلابی و آرمانگرایانه نبودند

بنابراین دگردیسی و تحولات‌اندیشه‌ای النهضه را باید قبل از تحولات ۲۰۱۱ تونس و به قدرت رسیدن آن دنبال کرد. در سال ۱۹۸۹ م در کشور تونس قانونی تصویب شد که هرگونه شکل‌گیری احزاب بر پایه قومیت، دین، زبان یا منطقه را ممنوع کرد؛ از همین روی نام حرکت التجاه الاسلامی به «النهضه» تغییر یافت و اصلاحات و تحولاتی در آن صورت گرفت، به گونه‌ای که آن را از یک گروه اسلامی به یک حزب سیاسی فعال اسلامی تبدیل کرد. رئیس این حزب «راشد الغنوشی»، و دبیر کل آن «مورو» شد و روزنامه‌ی «الفجر» ارگان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

رسمی‌اش به شمار می‌آمد. یک شورای مرکزی نیز وجود داشت. حزب در چهارده استان تونس شعبه‌هایی تأسیس کرد. (مصلی، ۱۳۹۱: ۹۸) ولی این جریان دوام نیافت و توسط حکومت بن‌علی غیرقانونی اعلام شد. این مسائل سبب شد که تغییراتی از دهه ۱۹۹۰م در النهضه صورت گیرد؛ دگرگونی‌هایی که بیشتر در حوزه حاملان فکری و فضای گفتمانی بود، تحولاتی که این حرکت اسلامی را به گروه اسلامی اعتدال‌گرا تبدیل کرد. شیخ راشدالغنوشی، که همواره به چهارچوب فکری جنبش اصول‌گرای اسلامی پایبند بود، بیان می‌دارد:«ما دیگر نمی‌توانیم با پایبندی به گذشته و با ذهنیت قدیمی مشکلات کنونی خود را حل کنیم و به آینده چشم داشته باشیم؛ از این رو باید در تمام کتاب‌هایی که به شاگردان‌مان تدریس می‌کرده‌ایم تجدید نظر کنیم؛ زیرا این کتاب‌ها موجب پیدایش استبداد در درون جریان اسلامی می‌شود». (ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱٦)

او همچنین افزوده است که:«ما از درک واقعیت‌ها و تحولات پیرامون خود عاجز هستیم، به همین علت جنبش اسلامی دچار آشفتگی شده و نمی‌تواند راه صحیح را پیدا کند و در نتیجه توانایی پیشرفت نیز ندارد، بدون شک مسئولیت اصلی این عقب‌ماندگی متوجه تفکرات واندیشه‌های ماست، فقدان نظریه‌های ایدئولوژیک واندیشه‌های استراتژیک محدود باعث شده است که گروه‌های اسلامی محکوم به پیروی از میراث گذشتگان خود و صدور احکام برتری‌جویانه و واکنش‌های پراکنده و موقتی باشند. (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۳٤)

تجربیات، تفکرات واندیشه‌های رهبران النهضه باعث شد، تا بعد از تحولات ۲۰۱۱ تونس و فراهم شدن فضا برای حضور و مشارکت النهضه در قدرت،اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه و اعتدالی جنبش النهضه، شکل عملگرایانه تری به خود بگیرد.

رهبران جنبش معتقدند ما ارزش‌های‌مان را پیش‌تر با آرمانهای دموکراتیک تطبیق داده بودیم و دیدگاه اصلی‌مان تغییری نیافته است. آن‌چه تغییر یافته محیطی است که در آن فعالیت می‌کنیم. تونس اکنون به‌جای دیکتاتوری صاحب دموکراسی است؛ این یعنی که النهضه سرانجام می‌تواند حزبی سیاسی با تمرکز بر برنامه‌ی سیاسی و بینش اقتصادی‌اش باشد و نه جنبشی اجتماعی که علیه سرکوب و دیکتاتوری می‌جنگد. در شرایطی که کل خاورمیانه با بی‌ثباتی و خشونت دست‌به‌گریبان است شرایطی که غالباً با ستیز بر سر رابطه مناسب مذهب و سیاست بغرنج شده تحوّل النهضه باید گواه این باشد که اسلام به‌راستی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

با دموکراسی سازگار است و جنبش‌های اسلامی می‌توانند نقش کلیدی و سازنده‌ای را در تقویت و پروراندن گذارهای دموکراتیک موفقیت‌آمیز ایفا کنند. (ghannouchi, 2016)

در واقع اگر النهضه می‌خواست از خود یک چهره اسلام اعتدالی شبیه ترکیه نشان دهد، پس برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی دیگر مشکلی ندارد. چنانچه آقای اردوغان در راس سیستم، هیچ مشکلی با رژیم صهیونیستی نداشته و جز شعارهایی که برای مصارف داخلی و محبوبیت در جهان اسلام و جهان عرب کاربرد دارد، اگر در عمق روابط دقت کنیم، در ابعاد استراتژیک؛ هنوز رابطه ترکیه با رژیم صهیونیستی بسیار مستحکم است و مشکلی در مبادلات تجاری، اقتصادی و مناسبات سیاسی وجود ندارد. آقای غنوشی می‌داند مدل حزب عدالت و توسعه چگونه است. (سیدافقهی، ۱۳۹۳)

همچنین غنوشی در پاسخ به این ادعاها و با هدف کاستن از فشارهای فراوان گروههای سیاسی تونس که نگران تشکیل یک نظام مذهبی افراطی در کشورشان بودند، اظهار داشت: النهضه، با هدف تشکیل نظام اسلامی یا اجرای شریعت وارد فضای سیاسی نشده است. (الغنوشی، ۱۳۹۲)

آمادگی جنبش‌های اسلامی طی دهه‌های گذشته (۸۰ و ۹۰ میلادی) برای مشارکت در حکومت دموکراتیک محدود و تحت کنترل دولت در سطوح گوناگون نشانهٔ آن است که اسلام‌گریان به این اعتقاد رسیده‌اند که می‌توانند از طریق فعالیت در محدوده نظام‌های سیاسی موجود به هدف‌های خود دست یابند، و در این زمینه، استراتژی دوگانه «یا همه‌چیز یا هیچ‌چیز» را کنار نهاده‌اند. (ابوسمر، ۱۳۹٤)

در این راستا راشد الغنوشی در مصاحبه‌هایی که پیش از بازگشت به تونس داشت، صراحتاً بر این اعتقاد تأکید می‌ورزید. الغنوشی گفت که ما عدالت خواهی را از امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران آموختیم و پیش از آن غافل از این عنصر زیربنایی و کلیدی بودیم، لکن الان به اینجا رسیده ایم که با برقراری عدالت و آزادی، بهترین زمینه برای حکومت دینی فراهم می‌شود، فلذا اصراری به تشکیل یک حکومت اسلامی نداریم. (حاجی کریم جباری، ۱۳۹۰)

ـ تأکید بر ملی‌گرایی

در سال‌های دهۀ ۲۰، داعیان بازگشت به اسلام، خواهان آن بودند که از همان اسوه‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

رفتاری تبعیت گردد که در جامعهٔ مؤمنین عصر پیامبر(ص) حاکم بود و این اسوه‌های رفتاری را واکنش مناسب در برابر فساد اخلاقی، گسیختگی اجتماعی و ضعف سیاسی اسلام در برابر مغرب زمین می‌دانستند. این داعیان، مسلمانان مؤمن عصر آغازین اسلام را به عنوان سلف صالح، هستهٔ جامعه دینی و سیاسی می‌شمردند و دولت و امت اسلامی را فراتر از مرزهای قومی و نژادی می‌دانستند.

به رغم این تعریف فراگیر و مشمولی که بسیاری از گروه‌های اسلامی بدان باور داشتند، بیشتر جنبش‌های اسلامی معاصر به وابستگی ملی و میهنی پایبند شدند و نظام جهانی کنونی مبتنی بر استقلال سرزمینی را پذیرفتند و فعالیت‌های خود را به قلمرو کشورهایی محدود ساختند که در آن می‌زیستند. (Piscatori, 1986)

صراحت در تاکید بر ملی‌گرایی بعد از حضور النهضه در راس قدرت و یا به عنوان شریک قدرت در تونس بعد از انقلاب به وضوح دیده می شود.همان‌گونه که پیشتر در تبیین گفتمان النهضه اشاره شد به واسطه مدلول‌های وابسته و نظام ارزشی حاکم در تونس، دال مرکزی اندیشه النهضه بر مبنای ناسیونالیسم اسلامی بنا شده است. این نکته قابل توجه است که همین دال مرکزی (ناسیونالیسم اسلامی) مبتنی و متکی بر مدلول‌های دیگر مانند جامعه مؤمنین عصر پیامبر، امت واحد اسلامی، عبور از مرزهای قومی و نژادی شکل گرفته بود در صورتی که پس از ۲۰۱۱ و تغییر مسیرهای بروز قدرت و ساختارهای سیاسی تونس این گفتمان عملاً به دال شناور تغییر یافته و دال ناسیونالیسم ارزشی و یا به تعبیر بهتر ناسیونالیسم سکولار در محوریت قرار گرفته است.

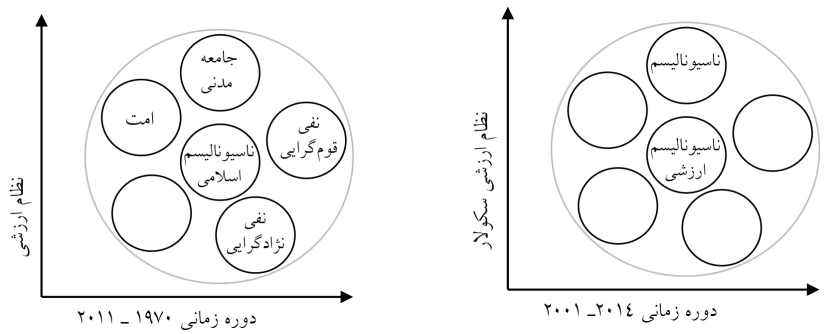

بر همین اساس غنوشی و همراهان او معتقدند که تونس و مصالح تونس مقدم بر مصالح

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

النهضه است و این یعنی مصالح ملی به مسائل جهان اسلام اولویت دارد و این را باید نتیجه یک تغییر در اندیشه و عمل النهضه دانست. (اسکندری، ۱۳۹۵)

با توجه به سبقه مطروحه النهضه و تغییرات بنیادی در شیوه اجرا و عملکرد آن در حوزه دینی و فاصله گرفتن از اخوان به عنوان جنبش اسلام‌گرا بررسی این نکته مهم به نظر می‌رسد که این رویکرد نتیجه و بازخورد چه اندیشه و تفکری به مقوله دین خواهد بود. نگرش به دین در گرایش کلی در ابعاد میزان انتظار و نوع عملکرد به سه گرایش کلی تقسیم می‌شود. گرایش اول کمال‌گرایی اعتقادی و رفتاری؛ گرایش دوم تقلیل‌گرایی عمل‌گرایانه و گرایش سوم تقلیل‌گرایی معرفتی. در تبیین کوتاه از موارد مذکور می‌بایست گفت گرایش اول بر انگاره‌های کمال دین در تمام اقوار و شئون اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... تأکید دارند و اصل خاتمیت و کامل بودن دین را مترادف با دو ابعاد بودن آن تعریف می‌کنند. در گرایش دوم ضمن قبول خاتمیت و تکامل دین در عمل و اجرا با توجه به تغییر شرایط و محیط و متناسب با موقعیت، ناتوانی دین را در حوزه شناختی می‌پذیرد و خود دست به کار می‌شود. گرایش سوم در حوزه معرفتی پس از مشاهده ابهامات پیش‌رو، از پذیرش آرمان‌گرایی دینی سرباز می‌زند و به محدود بودن دین در امور شخصی و ذهنی کفایت می‌دهد.

مواجه با تعالیم دین، گزینش راه‌حل‌ها، انتخاب مؤلفه‌های معرفتی و استفاده از ابزار اجرایی هر کدام در برخورد با موضوعات و سوژه‌های محیط بیرونی جایگاه افراد و حتی گروه‌ها و گرایش‌های فکری را در این دسته‌بندی‌ها مشخص می‌نماید.

در بیانی صریح‌تر می‌توان گفت گرایش النهضه به سکولاریسم یک نگرش و برداشت به مقوله دین است که در اهل سنت ریشه‌های قدیمی دارد با غور در تاریخ درمی‌یابیم از خلافت به خصوص در دوره عباسیان به دو جایگاه خلیفه در یک طرف و فقها و علمای امت در طرف دیگر تفکیک گشت و عملاً خلفا مشغول امور سیاسی و اجتماعی و جنگ‌ها بودند و علمای امت اسلامی زمام قضا و امور دینی بین مردم را در دست داشتند، شاید این نوع سکولاریسم را به واسطه مشورت و نصیحت‌پذیری خلفا از علما در روش حکومت‌داری به نوع تقلیل‌گرایی عمل‌گرایانه مورد پذیرش قرار داد اما خروجی و نتیجه آن غیر از تقلیل‌گرایی در حوزه معرفتی نبوده است.

به نظر می‌رسد مصالحه‌جویی النهضه جهت پایداری در حاکمیت باعث تقلیل ایده‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

اسلامی گردید به عنوان مثال در اثنای مذاکرات بر سر قانون اساسی جدید، نمایندگان پارلمانی النهضه امتیازهای بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دادند ابتدا نظر خود را در خصوص نظام پارلمانی صرف به نظامی نیمه پارلمانی و ریاستی تغییر دادند و دوم شریعت را به عنوان یکی از منابع تعیین قانون اساسی حذف نمودند.

ـ جدایی دین از سیاست

مهمترین تصمیم النهضه در کنگره دهم این جنبش اتفاق افتاد. در اواخر ماه می ۲۰۱٦ النهضهٔ کنگرهٔ دهم خود را در شهر حمامات تونس، با حضور بیش از هزار نفر از اعضای برجستهٔ آن و مشارکت ده‌ها خبرنگار برگزار کرد. در این اجلاس که ده روز به طول انجامید، تجربهٔ حکومت‌داری النهضهٔ و نیز تصمیمات این جنبش و همچنین برنامه‌های سیاسی و اقتصادی از نگاه این گروه، به بحث گذاشته شد. (رویوران، ۱۳۹۵: ۱۷۱)

مهمترین تصمیم النهضه جدایی بخش دعوتی جنبش از بخش سیاسی آن بود.

در حوزه فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی، از گذشته دو دیدگاه در النهضه حاکم بود.

۱. یک دیدگاه معتقد بود همانطور که النهضه یک حزب سیاسی است لذا باید همانند سایر احزاب تابع قوانین باشد و طبق قانون، احزاب سیاسی حق ندارند تبلیغات دینی انجام دهند.

۲. دیدگاه دیگر معتقد بود النهضه قبل از اینکه یک جریان سیاسی باشد، یک جریان فرهنگی است.

برخورد این دو دیدگاه منجر به ایجاد این نگرانی جدید شد که «حزب النهضه» با «حرکت النهضه» جدا شوند. النهضه به عنوان یک حزب سیاسی در چارچوب قوانین فعالیت کند اما حرکت النهضه فعالیت تبلیغی نیز انجام دهد. شکست النهضهٔ در به دست آوردن اکثریت انتخابی در دومین انتخابات مجلس در سال ۲۰۱٤م.، ضرورت ارزیابی این تجربه و ارتباط این حزب با جامعه را قطعی کرد. لذا مهم‌ترین تصمیمی که در این کنگره گرفته شد، این بود که حزب، مقولهٔ تبلیغ دینی را از نو تعریف کرد. راشد غنوشی که بار دیگر در این کنگره به ریاست این حزب انتخاب شد، در این تصمیم‌گیری نقش مهمی ایفا کرد. اقدام النهضهٔ در جدایی کامل فعالیت دعوتی، یک اقدام جدید بود که نقطهٔ عطفی در شکل و محتوای فعالیت النهضه به شمار می‌رفت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

راشد الغنوشی با اعلام این تصمیم در کنگره دهم نشان داد که تونس برای او و حزبش مهم‌تر از اهداف اخوانی و یا به عبارتی اسلامی است. راشد مصاحبه‌ای با روزنامه لوموند فرانسه انجام داد و در آن به صراحت گفت که فعالیت سیاسی ما کاملاً از فعالیت دینی جداست و این دلیل را آورد که مسئله جدایی دین از سیاست برای سیاستمداران خوب است؛ چون در آینده به استفاده از دین برای مقاصد سیاسی متهم نخواهند شد. این مسئله برای دین هم خوب است؛ چون دین هم درگیر سیاست نخواهد شد.

النهضه برای تثبیت این تغییر، در کنار سایر اقدامات، تصریح کرد که کادرهای حزب دیگر در مساجد موعظه نمی‌کنند و رهبری گروه‌های جامعه مدنی نظیر انجمن‌های مذهبی یا خیریه را برعهده نمی‌گیرند.

بنابراین مطابق نظر الغنوشی در رابطه با حرکت‌های اسلامی و حزب سیاسی، النهضه از یک حرکت اسلامی به یک حزب سیاسی تغییر پیدا کرده است. تصور غنوشی درمورد حرکت‌های اسلامی، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که با انگیزه اسلامی و برای پیاده کردن اهداف اسلام و ایجاد نوآوری در اسلام، کنترل و احاطه بر واقعیت‌ها و توجیه و اداره درست آنها به وجود آمده است. وی در این رابطه می‌گوید:

«چون اسلام یک دین منعطف بوده و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها مناسب است، پس این ویژگی اقتضا می‌کند که احکام آن مطابق زمان و مکان تغییر نماید و از اینجاست که راهبرد و نحوه عمل حرکت اسلامی نیز با اختلاف زمان و مکان تغییر می‌کند. زمینه‌های کار در حرکت اسلامی و راه‌های دعوت اسلامی بسیارند مثل وعظ و ارشاد، علم و تربیت، عبادت و ذکر، تاسیس موسسات بهداشتی فرهنگی و خدمات اجتماعی دیگر، به عبارت دیگر حرکت اسلامی برنامه‌ای وسیع‌تر از یک حزب سیاسی دارد.» (علیخانی، ۱۳۹۳: ۱۵٤)

پس النهضه می‌خواهد یک حزب باشد نه یک حرکت اسلامی و این یعنی حرکت از یک برنامه وسیع به یک محدوده‌ی مشخص از فعالیت. این سازمان همه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی‌اش را رها کرده و حالا فقط بر سیاست متمرکز است. بعد از کنگره دهم، راشد الغنوشی اعلام کرد که این حزب عبارت «اسلام سیاسی» را نیز از پسوند خود حذف خواهد کرد. این موضع را باید مکمل تصمیمات کنگره دهم دانست که در آن راشد الغنوشی به صراحت عنوان کرد که النهضه دیگر یک حرکت دعوتی نیست و به عنوان یک حزب سیاسی به فعالیت می‌پردازد. (اسکندری، ۱۳۹۵)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

در این اینجا سؤالی که در اذهان نگارنده رخ می نماید این است که این مدل فکری و روش اجرایی در حکومت‌داری با مدل اجرایی بورقیبه چه فرقی داشت؟

زمینه‌های سیاسی ـ اجتماعی تغییرات اندیشه‌ای در النهضه

از بعد زمانی باید گفت از زمان بازگشت غنوشی به تونس، النهضه سعی کرده است خود را به عنوان یک حزب متحد به تصویر بکشد. هر چند در عمل نیز نسبت به دیگر جریان‌های سیاسی با انضباط و سازماندهی بیشتر عمل کرده است، اما با گذر زمان شکاف‌های داخلی النهضه به تدریج آشکار شد. از ابتدای به قدرت رسیدن، اعضاء النهضه در رسانه‌ها و رادیو و تلویزیون ملی تونس بارها اختلاف نظرهای خود را پیرامون مسائل مهم بروز دادند. بیشتر این مخالفت‌ها هم بر سر مسائل سیاسی و نه ایدئولوژیک بوده است؛ که نمونه بارز آن بر سر نحوه برخورد با سران رژیم پیشین و یا مسئله کناره‌گیری از قدرت بعد از ترور سیاستمدار پان عرب «محمد البراهیمی» ظاهر شد.

اختلاف بر سر مشارکت سیاسی افراد وابسته به رژیم بن علی، از روزهای اول پس از پیروزی مخالفان و نخست وزیری موقت «باجی قائد السبسی» آغاز شد. ابتدا مقرر شد تمامی اعضاء «جنبش دموکراتیک قانون اساسی» از گرفتن هر گونه پست در دولت جدید منع شوند؛ اما از آنجا که جنبش دموکراتیک قانون اساسی تنها حزب تونس در زمان بن علی بود و از جمعیت ده میلیون نفری کشور دو میلیون نفر عضو آن بودند، این تصمیم مورد بازنگری قرار گرفت و تنها کسانی که در بدنه اجرایی حزب مشارکت داشتند از مشارکت سیاسی در دوران جدید منع شدند

زمانی که النهضه قدرت را به دست گرفت، این اختلاف به درون حزب حاکم کشیده شد. در حالی که غنونشی خواستار تعلیق مشارکت سیاسی اعضاء جنبش دموکراتیک قانون اساسی بود، نخست وزیر «حمادی الجبالی» با این رویه مخالفت کرده و یکی از مقامات جنبش دموکراتیک قانون اساسی را به عنوان رییس بانک مرکزی منصوب کرد. این اختلاف را در جریان مناظره‌ها بر سر اصلاح بند یک قانون اساسی پیشنهادی که به موضوع جایگاه شریعت در قانون‌گذاری می‌رسد نیز شاهد بودیم. در حالی که برخی حامی عبارت «شریعت به عنوان یک منبع قانون‌گذاری در بین سایر منابع» بودند، گروه دیگری خواستار درج عبارت «شریعت به عنوان منبع اصلی قانون گذاری» شدند. (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵)

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

بعد از حضور النهضه در قدرت، آشکار شد که درباره ساختار و بنیان ایدئولوژیک و سیاسی جنبش النهضه میان رهبران تونس اختلاف نظر بسیاری وجود دارد، به گونه‌ای که این اختلافات در مرحله‌ای به مانعی در قبال جنبش برای تحقق اهداف و منافع عالی‌اش تبدیل می‌شود و در حالی‌که هنوزگرایش‌ها و امیال اعتقادی و مذهبی بر افکار واندیشه‌های رهبران قدیمی آن حاکم است، بسیاری از اعضا و رهبران جدید عمل و اقدام سیاسی را ترجیح می‌دادند.

در جریان تحولات پس از ترور رهبران و مخالفان و شکل‌گیری جنبش تمرد، در حالی که «حمادی جبالی» بر تشکیل کابینه تکنوکرات‌ها و مصالحه با مخالفان تاکید داشت، گرایش غنوشی به مقاومت بیشتر در برابر فشارها و مصالحه نکردن زودهنگام با مخالفان بود. اختلافات تا جایی پیش رفت که «حمادی جبالی» استعفای خود را اعلام کرد و برخی صحبت از نیت او برای تشکیل حزبی میانه رو به موازات النهضه خبر دادند. در این مقطع حتی بسیاری تکرار تجربه اخوان‌المسلمین مصر را برای النهضه پیش‌بینی کرده بودند. (Zaydi, 2013)

قبل از «حمادی جبالی» نیز «شیخ عبدالفتاح مورو»، از بنیان گذاران النهضه، به عنوان نیروی موازنه دهنده در برابر غنوشی عمل می‌کرد. «مورو» قبلا از غنوشی خواسته بود که برای حفظ حزب النهضه از رهبری حزب کناره‌گیری کند. هر چند این موضع بعدها نرم تر شد و تنش میان دو رهبر قدیمی حزب فروکش کرد، اما «مورو» در اختلاف میان راشد غنوشی و حمادی جبالی در مورد تشکیل دولت تکنوکرات‌ها، جانب حمادی جبالی را گرفت. (Zaydi, 2013) «مورو» در این مورد بیان داشت: «من از موضع جبالی حمایت می‌کنم چرا که النهضه باید تجربه خود را با تجربه دیگران در به دوش کشیدن بار حکومت‌داری ادغام کند.» (http://www.biyokulule.com)

عملگرایی النهضه و عدول از اصول اندیشه‌ای

۱. حوزه سیاست داخلی

النهضه چند هفته قبل از انتخابات سپتامبر ۲۰۱۱ برنامه‌ای را منتشر کرد، که در آن اصولاً النهضه از دولت دموکراتیک «مدنی» سخن می‌گوید و دولت «دینی» را به مفهوم دین سالاری رد می‌کند. النهضه برای این منظور صراحتا خواهان مشارکت همهٔ نیروهای سیاسی در تهیهٔ قانون اساسی به عنوان «نقطهٔ اوج انقلاب تونس» می‌شود.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

در مقدمهٔ این برنامه آمده است که نظام جمهوری «بهترین تضمین برای دموکراسی و استفاده از ثروت کشور به صلاح مردم» است. احترام به حقوق بشر در اینجا نیز ذکر شده و ضمناً تصریح گردیده «بدون تبعیض جنس و رنگ پوست و جهان بینی و ثروت که لازمهٔ آن تقویت حقوق زن برای برابری با مرد و آموزش و کار و مشارکت در زندگی اجتماعی است.» در مورد «نظام سیاسی دموکراتیکِ» پیشنهادی، ارتباط مستقیمی بین رژیم‌های پسااستعماری بورقیبه و بن علی برقرار شده است: هدف ما «برکندن خودکامگی‌هایی است که در تاریخ ما ریشه دوانده و دولت را پس از استقلال از راه مأموریت (اصلی)اش منحرف ساخته است». (روگلر، ۲۰۱۲)

تغییر مدول‌ها و فضای ارزشی النهضه با توجه به آنچه اشاره شد امری قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد، اقدام النهضه در باز تعریف خود در محیط داخلی تونس و یا به عبارتی گره زدن خود به ساختارهای قانونی و چهارچوب‌های حزبی، گامی در جهت تغییر در روش اخوانی این جریان است. الغنوشی اخوان را نه تنها باعث رشد و پیشرفت سیاسی و اجتماعی نمی‌داند، بلکه ساختار آن را سوق‌دهنده افراطی‌گرایی و ویرانی داخلی کشورهای مسلمان می‌داند. لذا از این بعد اقدام النهضه یک تصمیم پراگماتیسم محسوب می‌شود. از دیگر اقداماتی که می‌توان در چهارچوب مفهوم پراگماتیسم النهضه تعریف کرد، حضور پررنگ‌تر النهضه در عرصه سیاسی تونس به واسطه جدایی از اخوان بین‌المللی است؛ این مولفه به واسطه بدبینی گروه‌های سیاسی تونس و اتهام افراط‌گرایی به اخوان صورت گرفت. آن‌چنان که در مقدمه مطرح شد، پراگماتیسم علاوه بر موضوع اجرایی و اقدامی، مفهوم فکری و اندیشه‌ای نیز با خود به همراه دارد. شاید نمونه برجسته پراگماتیسم فکری النهضه را در رویگردانی از عرصه اسلام سیاسی و تقلیل آن به سمت یک حزب سیاسی ارزیابی نمود.

۲. حوزه سیاست خارجی

ـ موضع در برابر غرب

در حوزه سیاست خارجی رعایت تعهدات خارجی تونس، اعطای امتیازات به غرب و تقویت همکاری با ایالات متحده و اتحادیه اروپا راهبرد النهضه در تعامل با غرب بود.

این واقعیت انکار ناپذیر است که ۸۰ درصد تبادلات اقتصادی تونس با کشورهای اروپایی است. نگاه تونس نسبت به اروپا به عنوان یک طرف اصلی تجاری و اقتصادی بوده و این نگاه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

همکنون نیز وجود دارد لذا النهضه زندگی بدون اروپا را برای تونس غیرقابل تصور می‌داند.

زمانی که النهضه بعد از حدود ٤٠ سال مبارزه به عنوان جریان اسلامی هدایت امور را به دست گرفت ، می دانست که اگر بخواهد به عنوان یک جریان سیاسی مؤثر در صحنه حضور داشته باشد می بایست از برخی از شعارها و رفتارها عدول نماید ، لذا به این نتیجه رسید که امریکا و فرانسه را به عنوان یک قدرت بپذیرد و با آنها تعامل داشته باشد. النهضه جهت کسب اعتماد غرب تلاش کرد، پیامهای اطمینان بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های خود ارسال کند . در این راستا نظام ترکیه را به عنوان یک الگوی مناسب برای خود معرفی کرد؛ نظامی که انتخابات مردمی دارد، با جهان اسلام و اسرائیل تعامل می کند . همچنین اعلام کرد که موضعی در برابر توریسم، وضعیت سواحل، مشروب‌فروشی‌ها و ... در تونس ندارد. چراکه یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد اقتصادی در تونس، توریسم است. النهضه تلاش کرد تا سیاست خارجی ٥ ساله ای را تدوین کند که اصول آن شامل : تنش‌زدایی، تعامل با امریکا، فرانسه و دوری از شعارهای هیجانی انقلابی باشد.

اینگونه می توان گفت النهضه در راس قدرت مصلحت‌گرا شده بود یا به عبارت دیگر مسائل موجود تونس برخی سیاست‌ها را به النهضه دیکته کرده بود. النهضه در توجیه این سیاست عنوان می‌کردند تونس نمی‌تواند یک اقتصاد بدون توریسم را تعریف کند و اگر مقابل غرب بایستد غرب فشار خواهد آورد. به عنوان مثال پاریس هر موقع با تونس تنش سیاسی پیدا کند روزنامه‌های فرانسه با بزرگ جلوه دادن برخی درگیری‌ها و حوادث داخل تونس، باعث می‌شوند بسیاری از شرکت‌های فرانسوی و خارجی سفرهای توریست‌ها به تونس را لغو کنند. از طرفی جریان معارض داخل نیز بر النهضه فشار می‌آورد که توان عمل و اقدامات انقلابی در تونس را ندارد. (فاضل، ١٣٩٢)

- رژیم صهیونیستی

در ارتباط با موضع‌گیری النهضه در قبال رژیم صهیونیستی که با استقبال بسیاری از تونسی‌ها مواجه شد، عدم همکاری با این رژیم بوده . الغنوشی پس از دستیابی به قدر اشاره میکند که جنبش هیچ‌گونه تعاملی با اسرائیل نخواهد داشت و تاکید کرد، اگرچه ما با تمام کشورهای جهان و همه جهانیان رابطه برقرار خواهیم کرد و از این رابطه استقبال می‌کنیم، اما

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

این موضوع درباره اسرائیل مستثنی است، چون رژیمی اشغالگر است، به همین دلیل نه آن را به رسمیت می‌شناسیم و نه با آن رابطه برقرار می‌کنیم.

هر چند النهضه برای عدم ایجاد حساسیت در برابر هم‌پیمانان غربی اسرائیل، عنوان کرد که تونس به عنوان عضوی از اتحادیه عرب و جامعه بین‌الملل، تابع تصمیماتی است که در این نهادها و شورای امنیت و سازمان ملل گرفته می‌شود. (مرتضوی، ۱۳۹۲) اما این نوع اظهارات در واقع در راستای نوعی اطمینان‌بخشی به غرب محسوب می‌شد .

ـ تطبیق نظری

تغییر گفتمان‌ها اگرچه گاهاً نیازمند زمان طولانی است اما بسترهای اجتماعی و سیاسی و حتی بین‌المللی می‌توانند مانند کاتالیزوری عمل کنند و رویکردها و جهت‌گیری‌های گفتمان غالب را به چالش بکشند این تغییر به واسطه سست شدن مؤلفه‌های ثبات‌دهنده و یا تکیه به عدم واقعیت پایدار تعبیر می‌شود. نگاه پراگماتیسمی النهضه در برهه مذکور عملاً در بعد اجرا و مفهوم آرمانی دچار تغییر شده است.

با توجه به آنچه اشاره شد پراگماتیسم علاوه بر بار اقدامی و اجرایی که در ترجمه به عمل‌گرایی تفسیر می‌شود، بار مفهومی و اعتقادی نیز به همراه دارد. اینکه در فضای جهانی، توجه به آنچه هست به جای آنچه می‌بایست باشد و نگاه به نتایج حاصله و چشم فرو بستن از آرمان‌های متافیزیکی و انگاره‌های مصنوعی همگی از مدل ذهنی شکل گرفته از پراگماتیسم محسوب می‌شود.

پس از بررسی مفهومی پراگماتیسم که دیگر به آن عمل‌گرایی صرف اطلاق نمی‌کنیم، می‌بایست حرکت النهضه را مورد ارزیابی قرار داد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های اندیشه‌ای و فکری النهضه در اقدامات سیاسی، نقش‌های اجتماعی و سخنرانی‌های مسئولان آن قابل تحلیل است، نقطه عطف و بروز این تصمیم را می‌توان در خروجی کنفرانس دهم حزب مورد ارزیابی قرار داد.

راشد الغنوشی با مجموعه از تصمیمات و بیانات خود در واقع هویت و شناسنامه اخوان تونس را تغییر داد. او در حالی که نزدیک سه دهه جنبش تحت رهبری‌اش مولود خلف اخوان شناخته می‌شد النهضه را یک «حرکت فراملی» که در ابتدا بدان تأکید داشت به یک «حزب

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

وطنی» تبدیل کرد و رشته دوستی سی ساله با متروپل مذهبی یعنی قاهره را از هم گسست.

آنچنان که سمیه غنوشی، فرزند راشد غنوشی عنوان نمود (http://www.islahweb.org) مهم‌ترین تحولاتی را که حزب النهضه پشت‌سر گذاشته است می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

ابتدا آنکه النهضه از یک جنبش سیاسی رادیکال در رویارویی با نظام تمامیت‌خواه به حزبی تبدیل شد که بخشی از بار سنگین حکومت پس از انقلاب را به دوش می‌کشید و باعث شد در عملکرد سیاسی و چینش اولویت‌های خود به تغییری نوعی ایجاد کند. النهضه دیگر یک جنبش اعتراضی نیست که هدفش حمایت از خود و بسیج افکار عمومی بر ضد حکومت باشد؛ زیرا این بار قرار است به حمایت از حکومت و سهیم شدن در ساختار آن، پاسخ به خواست‌های مردم و اجرای دغدغه‌های عملی آنان در راستای رشد و توسعه، بهبود شرایط زندگی، کیفیت‌بخشی به آموزش و بهداشت، رویارویی با خطرات امنیتی و دیگر چالش‌ها و مشکلات بپردازد. این وضعیت جدید باعث شد النهضه رفته‌رفته در هویت سیاسی خود تعدیل کند و از اپوزیسیون رادیکال به حزب حاکم یا سهیم در حکومت تبدیل شود. بنابراین منطق حکومت اقتضا می‌کند که لزوماً از منطق اعتراض و مخالفت فاصله بگیرد همچنان که نقش معارضه سیاسی در یک سیستم دموکراتیک با معارضه اعتراضی در سیستم سیاسی تمامیت‌خواه یا اقتدارگرا متفاوت است.

النهضه به خاطر برخی از ملاحظات معروف تاریخی در بستری از رقابت شدید با حکومت مستقل نشأت گرفت اما این شکاف پس از انقلاب رفته‌رفته در فرایندی ادامه‌دار و توأم با تأیید و درک متقابل تنگ‌تر شد؛ به طوری که حکومت دیگر به النهضه به عنوان یک خطر برای دولت و ثبات آن نگاه نمی‌کرد و در مقابل نیز اسلام‌گرایان تونسی هم آن نگرش خصمانه را به دولت نداشتند و به بخشی از معادله حکومت و ثبات کلی در کشور تبدیل شدند. این بدان معناست که النهضه به جای رویکرد مخالفت با دولت، به همان میزان به اصلاح و توسعه از طریق همان دولت روی آورد.

دوم اینکه النهضه به سمت نوعی تخصص اجرایی در حوزه سیاسی روی آورد و در عین حال سایر فعالیت‌های دینی و دعوی را در چارچوب استقلال کامل در اختیار جامعه مدنی گذاشت. طبیعت تغییرات پیش آمده در صحنه سیاسی تونس پس از انقلاب به علاوه مقتضیات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

قانونی که مانع فعالیت هم‌زمان انجمنی و حزبی می‌شد، النهضه را به سمت این فرایند و تمایز سوق داد. این فرایند به اصل بهره‌وری و اثربخشی در چارچوب تقسیم نقش‌های اجتماعی بازمی‌گردد و چنان که برخی معتقدند هیچ ارتباطی به حرکت به سمت سکولارسازی پنهان یا آشکار ندارد. به اعتقاد غنوشی «آنچه النهضه دنبال می‌کند تقسیم و تمایز در مسئولیت‌هایی است که طبیعت جوامع نوین با مشخصه ترکیب و پیچیدگی مقتضی آن است. در فضای باز و دموکراتیک عاملی وجود ندارد که جمع میان سیاست و فعالیت اجتماعی خیری و امور دینی و دعوی را بر انسان تحمیل کند زیرا برای همگان بهتر آن است که هر یک از طرف‌ها نقش خود را به طور کامل و همراه با استقلال شغلی انجام دهند.» این تجربه در دیگر کشورهای عربی و اسلامی میان حرکت مادر و حزب سابقه‌دار است و در مراکش، الجزایر، اردن، یمن و... چنین تجاربی را شاهد بوده‌ایم. شاید تنها تفاوت در این باشد که این تجارب به جدایی میان حزب و حرکت مادر منجر شد در حالی که النهضه اختلاف طبیعی و اجتماعی را در قالب تقسیم مسئولیت‌ها انتخاب کرد؛ خواه مسئولیت‌های درون‌حزبی با آنچه به نقش‌های جامعه منی یا داخلی بازمی‌گشت یا مسئولیت‌هایی که به حکومت مربوط بود.

نباید فراموش کرد این تحولات ماحصل رخدادی دفعی نبوده بلکه تبیین و رابطه دین و سیاست در کنگره قبلی در سال ۲۰۱۲ مطرح گردیده است؛ لذا در برداشت ابتدایی می‌توان گفت این تحول در طول سالیان طولانی و به آرامی و تدریجی صورت پذیرفته است که نشان‌دهنده وجود زمینه‌های این اندیشه در میان رهبران حزب دارد. (سیداحمدی، ۱۳۹۷: ٦٥) به نظر می‌رسد علت اصلی اتخاذ چنین رویکردی در ساختارهای فکری اهل سنت باید جست‌وجو شود. باید توجه داشت انفعال احزاب سیاسی اسلام‌گرا در جهان عرب به واسطه درگیری و تصادم مواضع با آرمان‌های ملی و عربی است. باورپذیری جریان اخوان به این موضوع که اسلام توانایی اداره امور اجرایی، ساماندهی سیاسی، برنامه‌ریزی ارزشی و فرهنگی برای جامعه را دارد و حاکمان سیاسی موظف به انجام چنین دستورالعملی در سیاق خود هستند، امری بعید به نظر می‌رسد. دلایل مطروحه بالا نشان می‌دهد بستر دینی اسلام‌گرایان عربی در امور شخصی و فرهنگ سفارشی در امر به معروف و نهی از منکر خلاصه می‌شود و اجرای همه احکام و قواعد الهی را در اداره جامعه، سیاست، اقتصاد، فرهنگ غیرممکن می‌دانند. همچنین ترس ایشان از حرکت به سمت رادیکالیسم اسلامی باعث شده از اصول

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

ابتایی نیز کنار بکشند. این‌گونه به نظر می‌رسد بسترهای دینی در اسلام اهل سنت ظرفیت لازم جهت تفاهم با مدرنیته را نداشته و پیش فرض النهضه نیز بر آن استوار شده است. در این میان گرایش و ورود فبه فضای بین‌الملل و کسب جایگاه بهتر در نگاه غرب جزء مؤلفه‌های اساسی تصمیم‌ساز ایشان محسوب می‌شود. در پایان نقش تحولات منطقه در مصر، لیبی و سوریه را نباید فراموش کرد. حرکت سریع گروه‌های افراط‌گرای اسلامی در این کشور عملاً به نابودی آنها منجر شد و شاید فرار النهضه از این ورطه اقدامی در راستای قاعده دفع افسد به فاسد باشد.

مدلول‌های النهضه پیش از ۲۰۱۱	دگردیسی اندیشه‌ای پس از ۲۰۱۱
جامعیت قواعد دینی (دین برای اداره جامعه کفایت می‌کند)	محدودیت دینی (وظیفه دین تربیت و تعلیم، ذکر، عبادت و تأسیس مؤسسات بهداشتی است)
برابر دین بامدنیت و دموکراسی (اجرای احکام اسلامی مقوم دموکراسی و مدنیت است)	دین باعث نفوذ (دین باعث نفوذ مسئولین در مردم و مانع دموکراسی و آزادی عقیده است)
حکومت اسلامی (حکومت اسلامی امری واجب و بدیهی است)	سکولاریزه کردن حزب (تفکیک نماز تبلیغی از حزب و حزب پسوند اسلامی)
امت‌محوری (دور شدن از آرمان فلسطین به واسطه محدود شدن دیدگاه کشورهای اسلامی به مسائل داخلی و ادول از امت اسلامی به وجود آمده)	ناسیونالیسم دینی اولویت منافع تونس بر احکام اسلامی و مسائل جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

منابع فارسی :

ـ ابراهیم، محمد و دیگران " اخوان‌المسلمین مصر" ترجمه : ترجمه جواد اصغري،نشر: مطالعات‌اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱، تهران ،چاپ اول

ـ ابراهیم‌نیا، حسین، (۱۳۸۵)، جنبش‌های اسلامی تونس، در دائرالمعارف جنبش‌های اسلامی، جلد چهارم، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

ـ ابراهیم متقي و دیگران، (۱۳۹۳)، «نقش بازیگران منطقه‌ای در رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهاني، دوره ۳، شماره ۲، تابستان.

-ابراهیم، محمد و دیگران، (۱۳۸۵)، اخوان‌المسلمین مصر، ترجمه مطالعات‌اندیشه‌سازان نور، تهران. چاپ اول

ـ آجیلی، هادی، مهدی بیکی، (۱۳۹۵)، واکاوي دگردیسي سیاسي جنبش اسلام‌گراي اخوان‌المسلمین تونس (النهضه)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار

ـ سلطانی‌نژاد، محمد، (۱۳۹۳)، حزب‌النهضه تونس میانه‌گرایي سیاسي و شکاف‌هاي داخلي، تهران: موسسه مطالعات‌اندیشه سازان نور، شماره ۱۳۰

-سیداحمدی ،سید محمد ، ۱۳۹۷ " دگردیسی در اندیشه و عمل اخوان المسلمین(مصر و تونس)؛ از جنبش تا دولت " تهران ، دانشگاه آزاد اسلامی ، پایان نامه دکتری تخصصی

-جان ال اسپوزیتو، (۱۳۸۹)، جنبش‌هاي اسلامي معاصر (اسلام و دموکراسي)، نشر ني، تهران.

ـ رویوران، حسین (۱۳۹۵)، النـهضة و تجدید فکری در جریان اخوان‌المسلمین، مجله فرهنگ اسلامی، آبان، شماره ۴۰

ـ علی‌اکبر علیخانی، ۱۳۸۲، «اسلام و حکومت در اندیشه راشد الغنوشی»، مطالعات خاورمیانه، ش ۳۳.

– مرکز الاستشارات و البحوث،۱۹۹۶ ،ترجمه: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور ،تهران ، ۱۳۸۸،چاپ اول

ـ مرادی، مجید، (۱۳۹۷)، نظریه دولت دراندیشه سیاسی حسن البنا، مجله علوم سیاسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم، ش ۱۹، پاییز .

ـ موسسه مطالعات‌اندیشه سازان نور، تحول در بنیان‌هاي فکري و سیاسي جماعت اخوان‌المسلمین، گزارش پژوهشي، پاییز.۱۳۸۷ ،چاپ محدود

-مصلی، احمد، (۱۳۹۱)، گفتمان‌های بنیادگرایی جدید در باب جامعه مدنی و کثرت‌گرایی و مردم سالاری، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: فرهنگ جاوید

ـ نبوی، عبدالامیر (۱۳۸۴)، اسلام سیاسی در مصر؛گذار به حداقل‌گرایی سیاسی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، بهار شماره۴۱

ـ نبوی، عبدالامیر، (۱۳۹۵)، «تجدیدنظر النهضه آغاز یک مرحله تاریخی در حیات اسلام‌گرایی»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، نشریه ترجمان خاورمیانه، شماره ۲

منابع اینترنتی :

ـ لوتس روگلر، جنبش اسلامی النهضه، ترجمه منوچهر امیرپور، ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:
http://www.goethe.de/ges/phi/prj/ffs/the/a97/fa9514045.htm

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

ـ مجید مرادي رودپشتي، تاریخ و گفتمان اسلام سیاسی در تونس، باشگاه‌اندیشه، ۱۳۹۷/۱۱/۱۵برگرفته از:
http://www.mapms.blogfa.com/page/p807
/https://www.khabaronline.ir
ـ اسکندری، مهدی، النهضه تونس؛ از «حرکت» تا «حزب»،اندیشکده تبیین، ۶ مهر ۱۳۹۵ ، قابل دسترسی در:
http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/menu-examples/child-items-6/1395070607
ـ الغنوشی: راشد، النهضه از اصول خود کوتاه نمی آید، العالم، ۱۳۹۲/۱/۱۳، قابل دسترسی در:
http://fa.alalam.ir/news/1459876
ـ اندیشه سیاسی شیخ راشد الغنوشی، ۱۳۹۰/۳/۲۲، قابل دسترسی در:
http://www.afran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=1483
سید افقهی ، سید هادی ۱۳۹۳ ،"تحولات فکری الغنوشی و حزب النهضه در تونس " موسسه آینده پژوهی جهان اسلام، گزارش بازدید : https://iiwfs.com/%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84%D8%A7%
لوتس روگلر، جنبش اسلامی النهضه، ترجمه منوچهر امیرپور، ژوئن ۲۰۱۲، قابل دسترسی در:
htm.fa۹۵۱۴۰۴۵/http://www.goethe.de/ges/phi/prj/ffs/the/a۹۷
-حاجی کریم جباری، محمدرضا، (۱۳۹۰)، آینده لائیسیته در تونس ،۲ آبان، قابل دسترسی در: .http://irdiplomacy.ir/fa/news/17311
ـ خبرگزاری فارس، ، ۲۸ مهر۱۳۹۱، قابل دسترسی در: https://www.farsnews.com/news/8911111001
موسسه مطالعاتی آفران، جنبش اخوان المسلمین مصر، ۱۳۹۰/۱۰/۲. بازدید : http://www.afran.ir/modules/publisher/category
- الغنوشی: راشد، النهضه از اصول خود کوتاه نمی آید، العالم، ۱۹۹۳، صفحه نگار ،۱۰۸ ،قابل دسترسی در: https://fa.alalam.ir/news/1459876/%D8%B1%D8%A7%D8%B4%D8%AF
فاضل البلدی، ۱۳۹۳ ، مصاحبه تخصصی ، مجله بدر، تهران ، سایت الوقت بازدید : http://alwaght.net/fa/Workgroup/581
کریم مرتضوی مصاحبه تخصصی ،مجله بدر ، ۱۳۹۲، کارشناس کشور تونس ، سایت الوقت ، بازدید : http://alwaght.net/fa

منابع عربی:

ـ الهرماسی، عبداللطیف (۱۹۸۵)، الحرکة الاسلامیة في تونس، بیرم للنشر، الایداع القانوني، الثلاثیة الثانیة
ـ ابوزکریا، یحیی، (۲۰۰۳)، الحرکة الإسلامیة فی تونس من الثعالبی الی الغنوشی، نشر الکترونیا فی یولیو
ـ ابوسمر، محمد، (۱۳۸۴)، جنبش حماس: ریشه‌ها و دیدگاه‌ها، ترجمه: نور، تهران ، مؤسسه مطالعات‌اندیشه‌سازان
ـ الغنوشی، راشد، (۲۰۰۳)، الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه، مرکز دراسات الوحده العربیه. ط۱، بیروت لبنان
مجله اوراق الشرق الاوسط، ش ۱۲، نوامبر ـ مارس ۱۹۹۴.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]

منابع لاتین :

Deputy chairman of Tunisia`s Ennahdha party interviewed on political crisis, BBC Monitoring Middle East, Sited at: http://www.biyokulule.com/view_content.php?articleid=5742

Ghannouchi,Rached, From Political Islam to Muslim Democracy The Ennahda Party and the Future of Tunisia, September/October 2016, Available at: https://www.foreignaffairs.com/articles/tunisia/political-islam-muslim-democracy

Piscatori, James ، Islam in a world of Nation States (London، Royal Institute of International Affairs، 1983) Chap 4.

Al-Zaydi, Mshari, Sheikhs against the Brotherhood, Sited at: http://www.aawsat.net/2013/02/article55291065

Al-Zaydi, Mshari, Sheikhs against the Brotherhood, Sited at: http://www.aawsat.net/2013/02/article55291065

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۸

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

سیداحمدی، سیدمحمد؛ حاتمی، محمدرضا؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱٤۰۱)، «بررسی رویکرد ها و تحولات اندیشه النهضه تونس از جنبش تا دولت» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۳، پاییز ۱٤۰۱، صص ۲۲٦-۱۹۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-13]